

نقش دین بر مراقبت های اجتماعی

مجتبی دهدار^{۱*}، فاروق دامنی^۲، لیلا سایگانی^۳

۱- دکتری علوم تربیتی گرایش برنامه ریزی درسی و مدرس دانشگاه فرهنگیان ابرانشهر.

۲- کارشناسی ارشد روانشناسی گرایش عمومی و مشاور تحصیلی.

۳- دکتری زبان و ادبیات فارسی، ریاست و مدرس دانشگاه فرهنگیان ابرانشهر.

Ehsandehdar70@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین دین مداری و اسباب های اجتماعی می باشد که با روش میدانی و کتابخانه ای به بررسی آن پرداخته ایم که جامعه آماری آن دانش آموزان مقطع متوسطه دوم دبیرستان فاروق اعظم شهرستان ابرانشهر می باشد که در سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۶ مشغول به تحصیل بوده اند که مورد مصاحبه و مشاهده قرار گرفته اند و همچنین از منابع متعدد جهت تکمیل پژوهش مذکور استفاده شده است.

کلمات کلیدی: دین مداری، اسباب اجتماعی، پیشگیری، جامعه شناسی، نوجوان.

۱-مقدمه

در سال ۲۰۱۴ نزدیک به نیم میلیون نوجوان بین ۱۲ تا ۱۷ سال در ایالات متحده گزارش دادند که از مواد افیونی غیرقانونی استفاده می کردند و بالغ بر ۱۶۸۰۰۰ نفر از نوجوانان نیز اعتیاد به مواد افیونی داشتند (ورنر، هیتل گیگلی، ۲۰۱۶).

به نظر می رسد دانش و نگرش نوجوانان نسبت به مصرف مواد و اعتیاد نقش مهمی در گرایش به مواد مخدر دارد (اسمیلی، تورکر، گاندوگاس، سیفتسی و آکا آکتورک^۱، ۲۰۱۶). و آگاهی و نگرش در مورد مصرف مواد اهمیت حیاتی برای پیشگیری و همچنین درمان سوء مصرف به خصوص در نوجوانان دارد (نبهینانی، نبهینانی، میسترا و گریول^۲، ۲۰۱۳). به نظر می رسد دانش و نگرش نوجوانان بین سنین ۱۵ تا ۲۰ ساله در ارتباط با تأثیرات مضر مصرف مواد مخدر پایین باشد و این سطح پائین دانش در نوجوانان منجر به مشکلات مرتبط با سلامت می شود (الدالو، یوسف و عبدالله^۳، ۲۰۱۴).

دین به عنوان عاملی تاثیرگذار بر همه جنبه های زندگی بشری توجه متفکرین حوزه های مختلف از جمله علوم انسانی و اجتماعی را به خود جلب کرده و آنان را در راستای ایجاد روشی برای سنجش دین مداری و بررسی تأثیر دین بر دیگر ابعاد زندگی انسان برانگیخته است. این تلاش ها از دل اقتضانات و ضرورت های قابل درکی بیرون آمده است که نمی توانست بدون پاسخ باقی بماند. این امر برخاسته از نفوذ و اعتباری است که دین برای انسان و اجتماع دارد (شاهمیرزالی، ۱۳۹۵). بنابراین شاید این گفته لاندین به گزاف نباشد که دین قدمتی به اندازه قدمت انسان دارد و جزء لاینفک زندگی بشر در تمامی اعصار بوده است.

لذا پرداختن به این عامل پراهمیت تاریخی برای انسان و بررسی نقش و تأثیر آن بر ابعاد مختلف زندگی بشر می تواند تأثیر به سزایی در بهبود شرایط زندگی و تعامل بهتر با محیط پیرامون داشته باشد. همواره نقش دین و تأثیر به سزای آن در ابعاد مختلف زندگی انسان ها مورد توجه صاحب نظران حوزه جامعه شناسی دین بوده و این موضوع را در تحقیقات مختلف می توان مشاهده نمود؛ چنانکه همیلتون (۱۳۸۱)؛ کوزر، سراج زاده (به نقل از سراج زاده، ۱۳۸۷) و ابراهیمی (۱۳۹۰) نشان داده اند که ارزش ها و باورهای دینی با افزایش نظم و کاهش آنومی و بزهکاری همراه است.

طبق نظر سازمان بهداشت جهانی سوء مصرف مواد با آگاهی و نگرش رابطه مهمی دارد (نادری فر، قلعجایی، اکبری زاده و ابراهیمی طبس، ۱۳۸۹). به نظر می رسد با تأکیدی که سازمان بهداشت جهانی دارد، حتی در بسیاری از روش های پیشگیرانه در

1. İçmeli, Türker, Gündoğuş, Çiftci & Aka Aktürk

2. Nebhinani 1, Nebhinani, Misra & Grewal

3. Eldalo, Yousif & Abdallah

برابر مصرف مواد مخدر در نوجوانان، آگاه‌سازی افراد در مورد خطرهای و مضرات مواد مخدر، اصلاح نگرش افراد از نگرش مثبت به نگرش منفی به اعتیاد، معتاد و مواد مخدر است که در بسیاری از کشورهای غربی و خصوصاً آمریکا در سنین پایین صورت می‌گیرد (خلیلی، سهرابی، رادمنش و افخمی اردکانی، ۱۳۹۰). در افراد با دینداری بیشتر، اضطراب، افسردگی و مرگ و میر کمتر مشاهده می‌شود (هلمن، پترسون و ورویچ، ۱۹۹۹). خدایاری فرد (۱۳۸۶) نشان داد که کیفیت روابط زناشویی و میزان رضایت مندی زناشویی در افراد دیندار بالاتر است. به باور شیپرز (۲۰۰۲) پابندی به ارزش‌های اخلاقی در افراد دیندار بیشتر است.

۲- تعریف آسیب اجتماعی

به هر نوع عمل فردی یا جمعی اطلاق می‌شود که در چارچوب اصول اخلاقی و قواعد عام عمل جمعی رسمی و غیر رسمی جامعه محل فعالیت کنشگران قرار نمی‌گیرد و در نتیجه با منبع قانونی و یا قبح اخلاقی و اجتماعی رو برو می‌گردد. به همین دلیل، کجروان سعی دارند کجروی‌ها خود را از دید ناظران قانون، اخلاق عمومی و نظم اجتماعی پنهان نمایند؛ زیرا در غیر این صورت با پیگرد قانونی، تکفیر اخلاقی، طرد اجتماعی مواجه می‌شوند (عبدالهی، ۱۳۸۳: ۱۵).

آسیب‌های اجتماعی به مفهوم رفتاری است که به طریقی با انتظارات مشترک اعضای یک جامعه سازگاری ندارد و بیشتر افراد آن را ناپسند و نادرست می‌دانند در واقع هر جامعه از اعضای خود انتظار دارد از ارزشها و هنجارها تبعیت کنند اما همواره عده‌ای پیدا می‌شوند که پاره‌ای از این ارزشها و هنجارها را رعایت نمی‌کنند، جامعه افرادی که هماهنگ و همساز با ارزشها و هنجارها باشند سازگار یا هم‌نوا و اشخاصی را که برخلاف آنها رفتار می‌کنند نا سازگار یا ناهم‌نوا می‌خواند از میان افراد ناهنجار کسی که رفتار ناهنجارش زودگذر نباشد و دیرگاهی دوام آورد، کجرو یا منحرف نامیده می‌شود و رفتار او را انحراف اجتماعی یا آسیب اجتماعی می‌خوانند (صدیق سروستانی، رحمت الله، ۱۳۸۶).

جامعه‌شناسی و جرم‌شناسی متوجه آن دسته از نقض هنجارهاست که توسط عده‌ی زیادی از مردم گناه تلقی می‌گردد از این رو انحراف یا آسیب اجتماعی به رفتارهایی اطلاق می‌گردد که هنجارهای اجتماعی را نقض کرده و در نتیجه از نظر تعداد بسیا ری از مردم قابل نکوهش است (احمدی، ۱۳۸۰).

گسترش روز افزون آسیب‌های اجتماعی (ترک تحصیل، فرار از مدرسه، اعتیاد، سرقت، تشکیل گروههای معارض و وندالیسم و...) به ویژه در سال‌های اخیر در بین دانش‌آموزان و همچنین شیوع مفسده‌های آشکار و پنهان، افزایش قابل توجه بزهکاری‌ها و کژروی‌های اجتماعی و آلودگی به مواد مخدر، به ویژه در میان جوانان و نوجوانان جامعه مستلزم تعمق و چاره‌اندیشی اساسی است (افروز، ۱۳۸۱). دهه ۱۹۸۰ انفجار آسیب‌های اجتماعی است و ما نمی‌توانیم از کاهش یا برطرف کردن این آسیب‌ها صحبت کنیم، زیرا چنین کاری ممکن نیست و تنها راه چاره کنترل این آسیب‌هاست. تمام آسیب‌های اجتماعی میل به گسترش دارند که اگر در شکل ساختاری به صورت جدی قصد پیشگیری داشته باشیم، شاید تا حدودی موفق شویم.

بنابراین انجام هرگونه برنامه ریزی و فعالیت در راستای کاهش آسیب‌های اجتماعی در بین نوجوانان جامعه از چند جهت ضروری است چرا که از یک طرف با کاهش آسیب‌های اجتماعی، ضریب امنیت اجتماعی بالا رفته، از طرف دیگر سرمایه‌ای که به دلیل افت تحصیلی و فرار از مدرسه هزینه می‌شود، کاهش می‌یابد، هزینه‌هایی که صرف ایجاد امنیت در جامعه می‌گردد در امر آموزش و تعالی فرهنگی جامعه صرف می‌شود، پس می‌طلبید تا در راستای شناخت عوامل کنترل‌کننده و کاهش دهنده آسیب‌های اجتماعی تلاش بیشتری کنیم (نوابی نژاد، شکوه، ۱۳۷۱).

به طور کلی دو نوع نگرش نسبت به آسیب‌های اجتماعی وجود دارد: یک نگرش که عمدتاً متوجه چگونگی جرائم و نفس بزه‌های اجتماعی، شیوع، گستردگی، عمق، شدت و آثار ناصواب آن است. صاحبان چنین نگرشی، بیشترین تلاش خود را در جهت وضع قوانین گوناگون، ساخت زندان، مبارزه با کژروی‌ها و بالطبع مبارزات مجرمان، به خصوص از طریق زندان صرف می‌کنند. نگرش دیگر معطوف به خصیصه‌ها و توانایی‌های اجتماعی فرد بزهکار است که مرتکب جرم می‌شود. در واقع در این نوع نگرش محور توجه، انسان‌هایی‌اند که به رغم مشابهت فراوان با بسیاری از همسالان خود از نظر شرایط اقتصادی-اجتماعی، به علل خاصی (عدم آشنایی کافی با مهارت‌های اجتماعی) دچار آسیب‌پذیری اجتماعی می‌گردند؛ صاحبان چنین نگرشی دوست دارند تمام اندیشه و تلاش خود را متوجه شناخت عوامل پدید آیی رفتارهای آسیب‌زا نمایند و راه حل مسئله را در آموزش و ارتقای سطح آگاهی مهارت‌ها و انطباق‌پذیری اجتماعی فرد می‌دانند.

براساس دو نوع نگرش فوق‌الذکر می‌توان دو راه حل برای مسئله (کاهش آسیب‌های اجتماعی) مطرح نمود: راه حل اول که اصطلاحاً می‌توان آن را حل کوتاه مدت، سطحی و سخت‌افزاری نامید، به مواردی چون ساخت زندان، استخدام پلیس بیشتر،

تشدید مجازات مجرمان و... به منظور مبارزه با مجرمان تاکید دارد در حالی که راه حل دوم در مقابل راه حل اول قرار دارد و اصطلاحاً راه حل دراز مدت، ریشه‌ای و نرم افزاری نامیده می‌شود به عواملی چون فرهنگ سازی، اجتماعی کردن، درونی نمودن ارزشها و هنجارهای جامعه از طریق آموزش مهارت‌های اجتماعی تاکید دارد (شیخاوندی، ۱۳۵۳). در واقع می‌توان چنین استنباط نمود که ریشه‌ی اغلب آسیب پذیری های اجتماعی دانش آموزان را باید در عدم آشنایی کافی آنها با مهارت‌های اجتماعی دانست؛ به طوری که نقطه‌ی کوری در رشد شخصیت دلخواه و اجتماعی جوانان وجود دارد و آن این است که متاسفانه جوانان امروز خود را نشناخته‌اند و به توان و قدرت فراوان خود باور ندارند، به علاوه از شرایط و موقعیت اجتماعی خود آگاهی ندارند. مع الوصف بررسی نقش آموزش مهارت‌های اجتماعی در کاهش آسیب‌های اجتماعی در مدارس ضروری است.

۳- آسیب شناسی اجتماعی

آسیب شناسی اجتماعی مفهوم جدیدی است که از علوم زیستی گرفته شده است و مبتنی بر تشابهی است که دانشمندان بین بیماری‌های عضوی و آسیب‌های اجتماعی (کج روی‌ها) قائل می‌شوند. واژه آسیب شناسی از دیدگاه پزشکی ریشه یابی بیماری‌هاست. آسیب اجتماعی (شامل سرقت- پرخاشگری- مواد مخدر- مسائل جنسی- خودکشی و فرار از خانه) به هر نوع عمل فردی یا جمعی اطلاق می‌شود که در چارچوب اصول اخلاقی و قواعد عام عمل جمعی رسمی و غیر رسمی جامعه محل فعالیت کنشگران قرار نمی‌گیرد و در نتیجه با منبع قانونی و یا قبح اخلاقی و اجتماعی رو به رو می‌گردد. به همین دلیل کج رویان سعی دارند کج روی‌های خود را از دید ناظران قانون، اخلاق عمومی و نظم اجتماعی پنهان کنند.

۳-۱- راه‌های ارتقای مهارت‌های اجتماعی دانش آموزان

- توجه به مهارت‌های اجتماعی در برنا مه ریزی درسی
- نشان دادن تاثیرات مخرب دوستان نالایق و ناشایست و چگونگی قطع ارتباط با آنان
- آموزش مهارت‌های زندگی نظیر دوست یابی و خودشناسی و کشف خود در محتوای آموزشی
- اجازه‌ی ابراز وجود به دانش آموزان از طریق دادن مسئولیت و استفاده از دیدگاه‌های آنان در مدرسه
- تقویت عزت نفس و احترام دانش آموزان توسط معلم
- تقویت ارزشهای دینی دانش آموزان توسط معلمان
- تقویت ارزشهای دینی در خانواده
- آموزش نه گفتن از کودکی در خانواده‌ها از طریق اهمیت دادن به اظهار نظر وی و شروع از موارد کوچک و غیرمهم.

۳-۲- بایسته‌های آموزش‌های دینی در پیشگیری از جرائم و آسیب‌های اجتماعی

عصر فناوری اطلاعات با شتاب فزاینده‌ای در حال حرکت بوده و به تبع این شتاب که با انواع و اقسام تکنولوژی همراه است، تار و پود حریم عمومی و حریم خصوصی اجتماع و اشخاص را تحت الشعاع قرار داده است. این امر تا جایی پیش رفته که نه تنها حریم عمومی دستخوش تعرض و دست‌اندازی افراد ناهنجار قرار می‌گیرد، بلکه حریم خصوصی نیز مرزبندی خود را در تعاریف کنونی از دست داده و دستخوش طغیان تکنولوژی شده است.

هر چند اصل تکنولوژی برای سهولت و رفاه در اختیار بشریت قرار می‌گیرد، اما اشخاص سودجو آن را برای تعرض به منافع عمومی و یا خصوصی به کار می‌گیرند. در این راستا ره‌یافت مراجع تقنینی به معنای عام وضع قوانین و مقررات و یا تدوین سیاست‌ها و الزامات لازم جهت جلوگیری از جرائم به انحاء مختلف است؛ ولی کراراً مشاهده می‌گردد که انواع جرائم با رنگ و لعاب‌های مختلف در ابعاد سنتی و یا مجازی ظهور و بروز پیدا می‌نمایند که در پاره‌ای از موارد مصادیق جرائم مورد جرم‌انگاری قرار نگرفته است.

اگر از این مسائل به صورت سلبی و یا ایجابی و یا به لحاظ نوع مجازات از حیث حقوقی و یا کیفری گذر نماییم، این مهم باید مورد توجه قرار گیرد که امر آموزش، به واسطه ایجاد فرهنگ‌سازی و ارتقاء آگاهی که تغییر رفتار را در پی دارد، مهم‌ترین عامل بازدارنده در کاهش آسیب‌های اجتماعی مورد توجه اکثر صاحب‌نظران و حقوقدانان به شمار می‌آید (نجفی تانا، ۱۳۸۵). این امر آثار مخرب جرائم را نیز از میان می‌برد؛ زیرا پس از ارتکاب هر جرم یا تکرار هنجارشکنی اجتماعی افکار عمومی جریحه‌دار شده

و آموزش‌های لازم می‌تواند آسیب‌های اجتماعی را کاهش داده و از تبعات منفی آن بکاهد. هر چند در کنار آموزش الزامات و تدابیر قضایی و انتظامی نیز ضرورتی انکارناپذیر است.

۴-دین‌مداری

دین‌مداری یعنی داشتن اهتمام دینی به نحوه‌ای که نگرش، گرایش و کنش‌های فرد را متأثر سازد (شجاعی زند، ۱۳۸۴؛ ۱۲). دین‌مداری واژه‌ای ملازم با دین است به گونه‌ای که هرگاه در باب تعریف دین به صورتی مبسوط بحث و نتیجه‌گیری شود، تعریف دین‌مداری نیز بر این بنای مفهومی یعنی تعریف دین استوار خواهد شد. به عبارت دیگر تعریف دین‌مداری فارغ شدن از مسئله تعریف دین امری است که کمتر محل اختلاف و مناقشه است زیرا به صورتی به حضور دین دلالت می‌کند (خدایاری فرد، ۱۳۸۷).

نخستین گام در ایجاد سنجه دین‌مداری شناخت دین و ابعاد آن و تاثیرات آن بر روی رفتار است. دین یک پدیده چند وجهی است و پیروانش را از وجوه مختلفی با خودش درگیر می‌کند. مدل دین‌مداری نیز تشریح و بسط همین مفهوم چند بعدی است. علی‌رغم توجهات اخیر به مسئله دین‌مداری و ارائه مقالات و پژوهش‌ها در علوم مختلف و به خصوص علوم انسانی در طول چند دهه اخیر اطلاعات موجود در پژوهش‌های مربوط به سنجش نگرش و اعتقادات دینی اغلب در زمینه دین مسیحیت می‌باشد. در کشور ما با این موضوع از منظر آیات و احادیث اسلامی و با عنایت به بعد جامعه‌شناختی آن کمتر توجه شده و در مجلات و نشریه‌های علمی داخل و خارج کشور کمتر می‌توان تحقیقات و نتایج بررسی‌های مربوط به این موضوع را مشاهده کرد و مطالعات انجام‌شده بیشتر به دین‌شناسان و نگاه درون‌دینی به دین محدود شده است و پژوهش‌های میدانی کمتر در این زمینه انجام‌شده است (نوبری، ۱۳۹۳).

ضرورت انجام این مطالعات با توجه به گذشت بیش از سه دهه از استقرار جمهوری اسلامی و تلاش مسئولان در جهت ایجاد جامعه دینی و حاکم نمودن ارزش‌های اسلامی بر زندگی مردم و از طریق نهادهای آموزشی، رسانه‌های جمعی، ابزارهای ارتباطی ملی از سویی و در طرف دیگر مقابله با گسترش جنبش‌های فکری نوظهور، مواجهه با رسانه‌های جهانی و عناصر ساختی دنیای مدرن در آحاد جامعه که پیام‌های متفاوت و بعضاً متضادی را به جامعه القا می‌کند انکارناپذیر می‌نماید. هرچند جامعه در شکل دهی به تصورات دینی اعضای خود نقش کلیدی ایفا می‌کند و این افراد جامعه هستند که القابات جامعه را می‌پذیرند و به آن شکل مطلوب خود را می‌دهند لیکن بررسی تغییرات ایجاد شده در دین‌مداری افراد می‌تواند موفقیت‌ها و کاستی‌های برنامه‌های اجرا شده در حوزه مسائل دینی را به ما نشان دهد (سراج زاده، ۱۳۹۰).

۴-۱-دین از دیدگاه جامعه‌شناختی

در پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه دین، دیدگاه‌ها و نظریه‌های فلسفی، جامعه‌شناختی و روان‌شناختی متعددی در مورد دین مطرح گردیده است. در اینکه دین وجه امتیاز اصلی بشر می‌باشد شکی نیست. از دیدگاه فلسفی فرد زمانی دیندار تلقی می‌شود که با سوال‌ها و مسائل وجودی و ماوراء طبیعی از جمله منشاء و مقصد به وجود آمدن هستی روبرو شود و برای آنها پاسخی مناسب بیابد.

از دیدگاه جامعه‌شناختی دین به عنوان یک نهاد اجتماعی دارای کارکردهای اساسی مانند انضباط، انسجام، حیات‌بخشی و خوشبختی آفرین است که فقدان آن بقای جامعه را مخدوش می‌سازد. از دیدگاه روان‌شناختی نیز به دین و دین‌داری بخصوص کارکردهای بهداشت روانی و روان‌درمانی دین توجه ویژه‌ای صورت گرفته است. ویلیام جیمز دین را ایجاد رابطه معنوی با دنیایی نامحسوس به عنوان روح عالم خلقت می‌داند که این ایجاد رابطه در عالم تنهایی و دور از همه وابستگی‌ها صورت گرفته و آرامش باطنی که آثار ظاهری آن نیکویی و احسان بی‌دریغ است، منجر خواهد شد.

انسان‌گرایان نیز به توصیف ویژگی‌های افراد خودشکوف، اوج تجربه‌های خویش را مشابه تجربه عرفانی مورد نظر جیمز می‌دانند. دین را ایجاد رابطه معنوی با دنیایی نامحسوس به عنوان روح عالم خلقت می‌دانند که این ایجاد رابطه در عالم تنهایی و دور از همه وابستگی‌ها صورت گرفته و به ادراک نظم نامرئی در میان پدیده‌های جهان هستی و رسیدن به یک اطمینان و آرامش باطنی که آثار ظاهری آن نیکویی و احسان بی‌دریغ است، منجر خواهد شد.

برخی دیگر از نظریه‌پردازان به بعد شناختی دین توجه بیشتری کرده‌اند. فانک و والگنلز دین را سبک زندگی و یا نظام باورها دانسته‌اند که رابطه‌ی غایی فرد را با خدا و عالم هستی تنظیم می‌نماید و سرانجام برخی از اندیشمندان غربی دین را مجموعه‌ای از مولفه‌های مرتبط با هم می‌دانند.

اعتقادات و باورهای دینی از سرمایه‌های مهم و ریشه‌ای هر انسانی است که او را از خطرات حفاظت کرده و از آلوده شدن به گناهان نیز جلوگیری می‌کند. همچنین رشد و بالندگی انسان‌ها و جوامع در عرصه‌های گوناگون، مرهون اعتقادات و باورهای مستحکم دینی است.

با بررسی عوامل پیروزی و شکست مسلمانان در تمام عصرها از صدر اسلام تاکنون، می‌توان پی برد که مهم‌ترین عامل پیروزی‌ها، استحکام اعتقادات و باورها و مهم‌ترین عامل شکست و نابودی‌شان، سست شدن اعتقادات و باورهای آنان بوده است. ایمان و عقیده دینی هر فردی محرک و جهت‌دهنده او در همه یا بخشی از عمل‌کردهای روزانه زندگی اوست و این امر اختصاص به حوزه تکالیف دینی ندارد، بلکه تمامی جنبه‌ها و ابعاد زندگی او را از برخورد با خود، خانواده، خویشاوندان و کلیه انسان‌ها در برمی‌گیرد.

۴-۲- پیشگیری از جرم و آسیب‌های اجتماعی از منظر دین مبین اسلام

در فرهنگ فارسی معین پیشگیری به معنای جلوگیری کردن و پیش‌از بیماری اقدام کردن معنا شده است. در حوزه آسیب‌های اجتماعی پیشگیری عبارت است از اقداماتی که در راستای بررسی افراد جامعه و یا محیط اجتماعی جهت جلوگیری از برخی مخاطرات و یا پیشامدها و آثار تبعی آن مورد توجه قرار گرفته و به کار بسته می‌شود. از همین منظر پیشگیری در ابتدا به پیشگیری فرهنگی، اجتماعی، وضعی و سپس به پیشگیری انتظامی، حقوقی و قضایی و کیفری تقسیم می‌گردد.

اما آنچه اولویت دارد، پیشگیری اجتماع‌محور است و جلوگیری از آسیب‌ها در نگاه دینی از مناظر مختلف قابل تحلیل است. واقعیت امر این است که دین کارکردهای چند وجهی دارد و مهمترین کارکرد آن معنا بخشی به زندگی بوده و افراد در پرتو این معنا حیات واقعی می‌یابند. دین اسلام نیز دین معانی، تبلور و ارزش‌ها است. دین مبین اسلام دینی جامعه‌نگر و به همه ابعاد روحی و جسمی انسان‌ها و پاسخ به مطالبات آنان توجه دارد.

در نظام کیفری اسلام علاوه بر واکنش‌های کیفری که ناظر بر بعد ارتکاب جرم هست به عوامل جرم‌زا و موقعیت‌های مجرمانه و برنامه‌ریزی در راستای شناسایی و تلاش برای زایل ساختن و یا به حداقل رساندن آن در جهت سلامت جامعه معطوف است تا از بروز ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی جلوگیری نماید. برنامه‌ریزی در نظام حقوقی اسلام توجه جدی به عوامل جرم‌زا و رویکردهای پیشگیرانه به عنوان سالم‌سازی جامعه در ابعاد مختلف مورد نظر می‌باشد (عبداللهی، ۱۳۸۹).

بدین ترتیب مهمترین عامل در حصول این مهم، توجه به فضایل و اخلاقیات و ایجاد مودت، صداقت، قسط و عدالت و... است. در این مسیر، اسلام به پرهیز از استبداد زمامداران و نوع ارتباطی که بین حاکمان و مردم لازم است، توجه داشته و توانمندسازی دینی و اخلاقی را برای الگوهای تربیتی مورد تأکید قرار می‌دهد.

از بعد دینی مفاهیم عفت و فضایل اخلاقی با تاسی از فرهنگ و ارزش‌های حاکم بر جامعه انطباق و شکل می‌پذیرد و هر چند ممکن است در ادوار متمدنی شاهد تغییرات و تحولات در این ارزش‌ها باشیم، اما توجه به این امر خطیر ضروری است که کودکان و نوجوانان از طریق خانواده، نظام آموزشی (محیط آموزش) و جامعه به تدریج با همین ارزش‌ها و هنجارهای حاکم جامعه آشنا شده و به آن احترام می‌گذارند و خود را ملزم به رعایت آن می‌دانند.

لذا هر اندازه رویکردهای آموزشی در ابعاد دینی، فرهنگی و اجتماعی و... هدفمند برنامه‌ریزی و هدایت گردد، بدون شک می‌تواند بستری مناسب جهت جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی به شمار آید. به همین سبب نقش خانواده، محیط آموزشی، جامعه، مکمل در پذیرش و احترام به هنجارهای جامعه خصوصاً در ابعاد دینی است و هر چه قدر توجه به ارزش‌ها و هنجارهای دینی نهادینه گردد، در رویکردهای اجتماعی اثربخشی مطلوبی را به دنبال دارد.

از منظر فقهی اسلامی جرم مخالفت با اوامر و نواهی کتاب و سنت یا ارتکاب عملی است که به تباهی فرد و یا جامعه می‌انجامد. هر جرم را کیفری است که شارع به آن تصریح دارد. لذا جرم تجاوز و یا ایجاد مخاطره نسبت به ارزش‌های مورد حمایت قانون‌گذار کیفری است. برای این منظور علاوه بر ضرورت مجازات مجرمین می‌بایست برنامه‌های اجتماعی جهت بازدارندگی از اشاعه آسیب‌ها مورد توجه قرار گیرد.

چنانچه در مقابل فضایل، رزیت‌ها وجود دارد، اهتمام به ارتقاء فضایل به عنوان اولویت مورد توجه است، لذا برای انسداد تباهی به امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یکی از مهمترین روش‌های پیشگیری و واجب کفایی در میان مسلمین مورد توجه قرار گرفته است و هر کس به سهم خویش در مشارکت اجتماعی برای سلامت جامعه تکالیفی را عهده‌دار است.

عوامل اعتقادی و مناسک عبادی و مذهبی و باورهای دینی در کاهش آسیب‌ها و جرائم اثر مستقیم دارد و هر اندازه نظام ارزش‌ها و باورهای دینی تبلور یابد، نگاه معنادار در رویکردهای اجتماعی بروز می‌کند. در عوامل اجتماعی شرکت در مراسم و مناسک عبادی و مذهبی، رفع نیازهای مستمندان، انفاق، نذورات، خمس و زکات، وقف و امر به معروف و نهی از منکر و... نتایج عدالت، مسئولیت‌پذیری و حمایت اجتماعی را در پی دارد.

به همین منظور قانون اساسی در بند ۱، ۲، ۳ و ۱۲ اصل سوم به مباحث ارزشمندی تصریح دارد که حاکی از توسعه و ترویج فضایل اخلاقی، ارتقاء آگاهی و آموزش همگانی و حمایت‌های اجتماعی در راستای صیانت از حقوق فردی و اجتماعی به شمار می‌رود. «ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان، تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی، بالابردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر، آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه، پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع مأموریت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه.»

لذا همه این مباحث از منظر اسلامی دارای جایگاهی است که منجر به عدالت و از میان رفتن آسیب‌ها شده و شیوه مناسبی جهت جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی به شمار می‌رود.

از منظر اسلامی تدابیر پیشگیرانه برای اصلاح انسان قبل از معصیت و همچنین اجتماعی شدن در رویکردهای تربیتی و فرهنگی مد نظر قرار دارد. لذا هر چند برخوردهای قهرآمیز برای امنیت اجتماعی ضرورتی انکارناپذیر تلقی می‌گردد، اما نوع پیشگیری، قبل از وقوع جرم ارتباط و تعامل و روش‌های آگاهی‌بخشی از طریق مشاوره‌های دینی مورد توصیه قرار گرفته تا از عوامل ضد هنجاری جلوگیری گردد. علاوه بر آن توجه به احکام اخلاقی و عبادی و ممارست و توصیه به این امور از طریق آموزش و مشاوره‌های دینی نسبت به افزایش فضایل جامعه کمک می‌نماید.

اگر شیوه‌های پیشگیری در جهت عمق‌بخشی و اجتناب افراد به سوی آسیب‌های اجتماعی (خود کنترلی) مد نظر است، لاجرم نیازمند تدابیر صحیح برنامه‌های آموزشی خیرخواهانه جهت تغییر در رفتار و گرایش به نوع دوستی و نیکوکاری می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. علاوه بر آن معصیت از نگاه دینی هنجارشکنی و تعرض به حقوق فردی و اجتماعی است و ساز و کار لازم جهت پیشگیری از این امر مذموم از راهبردهای آموزشی جامعه اسلامی به شمار می‌رود (علمی یزدی، ۱۳۷۹).

پر واضح است که یادگیری و آموزش‌های اولیه کودکان و نوجوانان در نهاد خانواده شکل می‌گیرد و همین یادگیری اولیه پس از مدتی در جایگاه نقش‌های اجتماعی ظهور و بروز می‌یابد. در کنار تربیت خانوادگی از طریق پدر و مادر و یا حرکات بستگان و رسانه‌های دیداری تأثیر عمیقی در رفتارهای نونهالان داشته و هرکدام آموزش‌هایی را به ذهن آنان انتقال می‌دهند. رفتارهای ملایم و یا خشن که از طریق تلویزیون و یا بازی‌های رایانه‌ای در مثنی کودک نقش‌آفرین است به تدریج به عنوان ملکه ذهنی و رفتار پایدار در روند شخصیت‌پذیری کودکان و نوجوانان اثر گذاشته و منش تربیتی آن‌ها را شکل می‌دهد (شوقی مینا آبادی، ۱۳۸۷).

لذا گفتار، رفتار و انتقال مفاهیم در نهاد خانواده و یا رسانه و پس از آن در نهاد آموزشی می‌بایست بر اساس آموزه‌های تربیت دینی باشد که نگاه و رفتار او را برای زندگی اجتماعی و موفقیت‌های او تضمین نماید و در محیط اجتماعی آثار آن آشکار گردد. لذا رویکرد تربیت دینی به لحاظ جامع‌نگری و انگیزشی بسیاری از ویژگی‌های تربیت پایدار را دارا است و نگاه ژرفی پیش‌روی کودک و نوجوانان ایجاد می‌نماید.

مفاهیمی نظیر صداقت، راستگویی، نوع دوستی، احترام به حقوق دیگران، پرهیز از آزار و اذیت، هر چند ممکن است به عنوان اخلاقیات در همه فرهنگ‌ها به رسمیت شناخته شده باشد، اما نگاه تربیت دینی به این مفاهیم هم ضامن حقوق فردی و هم متضمن حقوق اجتماعی برای سلامت فرد و اجتماع است و همه این مسائل در آموزش‌های دینی در راستای هویت‌بخشی به نونهالان و نوجوانان ضروری است. آنان یاد می‌گیرند که با رعایت مجموعه‌ای از قوانین عرفی و الهی به فرد و اجتماع احترام بگذارند و تکرار رفتارهای هنجاری سبب می‌شود از آسیب‌ها مصون باشند. این مصونیت از مجرای آموزش شکل گرفته و تکرار چنین رویکردی که در واقع از بستر حمایت‌های اجتماعی صورت می‌پذیرد برای سلامت جامعه و حقوق شهروندان صورت می‌گیرد و اثربخشی پایداری را به همراه دارد (معظمی، ۱۳۸۸).

نتیجه گیری

هدف مقاله حاضر مطالعه و بررسی رابطه بین میزان دینداری با آسیب های اجتماعی به عنوان یکی از مؤلفه های. بررسی های صورت گرفته بیانگر این است که بین میزان دینداری با ابعاد مختلف اجتماعی (به جز اعتماد به محیط)، رابطه مستقیم وجود دارد. به عبارت دیگر با افزایش میزان دینداری، اعتماد نهادی، اعتماد تعمیم یافته و اعتماد بین شخصی افزایش می یابد. در مجموع نیز با افزایش میزان دینداری، میزان اعتماد اجتماعی افزایش پیدا می کند

نتایج مطالعات صورت گرفته همسو با دیدگاه جامعه شناسان بزرگی همچون دورکیم و گیدنز است که معتقدند رابطه مستقیمی بین میزان دینداری و میزان اعتماد اجتماعی وجود دارد.

نوجوانی دوره تغییرات بزرگ است؛ تغییرات سریع احساسی، جسمی و اجتماعی می باشد. نوجوانی دوره اکتشاف، اتکا به نفس، کنترل بر خود، توانایی تصمیم گیری و دوره انتخاب می باشد. به دست آوردن خودمختاری، مسئولیت پذیری و تصمیم گیری در مورد سلامتی، خانواده، شغل، و همسالان در این دوره رخ می دهد (سندرز، مونفورد و لایبنبرگ^۱، ۲۰۱۷).

این دوره اغلب با خطرپذیری و آسیب های اجتماعی مترادف شده است. آسیب هایی که احتمال نتایج منفی و مخرب جسمی، روانشناختی و اجتماعی را برای فرد افزایش می دهد (آلبرتوز و همکاران^۲، ۲۰۱۷).

به نظر می رسد که برخی از عوامل در دوره نوجوانی به عنوان عوامل حمایت کننده، و برخی دیگر به عنوان خطر آفرین در آسیب های اجتماعی و دیگر رفتارهای پرخطر را تحت تأثیر قرار می دهد. یکی از این عوامل حمایت کننده در کاهش آسیب های اجتماعی دین مداری و پایبندی به مسائل اعتقادی و شرکت در مراسم دینی است که در برخی از مطالعات از آن به عنوان سپری در مقابل وابستگی به مواد و سایر آسیب های اجتماعی یاده کرده اند.

درواقع دین از طریق برقراری یک نظم اخلاقی و تدارک فرصت هایی برای به دست آوردن شایستگی ها و تهیه قوانین اجتماعی نقش به سزایی در کاهش آسیب های اجتماعی ایفا می کند (افشانی و همکاران، ۱۳۸۹).

به طور کلی در واقع مطالعات مختلف نشان دادند که باورها و اعمال دینی مانند شرکت در مراسم های مذهبی و پایبندی به اعمال دینی و نیز بحث های دینی در بین خانواده باعث کاهش گرایش نوجوانان به رفتارهای پرخطر و آسیب های اجتماعی می شود (ریچارد^۳، ۲۰۰۰).

دورکیم به عنوان مهمترین نظریه پرداز کارکردگرا دین را مجموعه ای هماهنگ از باورها و اعمال مربوط به امور لاهوتی می داند که پیروان خود را در یک اجتماع اخلاقی واحد به نام کلیسا (امت) جمع می کند (دورکیم، ۱۳۷۸).

نخستین تحلیل دورکیم از دین برگرفته از نقشی است که دین در شکل گیری هنجارهای اجتماعی ایفا می کند (الیاده، ۱۳۷۲). گردهمایی مردم برای انجام مناسک دینی باعث انسجام اجتماعی می شود زیرا دین با تثبیت یک نهاد اجتماعی به گرفتاری های وجودی انسان معنای خاصی می بخشد و فرد را به قلمرو فرافردی و ارزش های متعالی که ریشه در جامعه دارد وابسته می سازد (کوزر، ۱۳۸۳).

به همین خاطر دورکیم در مورد قدرت بازدارندگی دین در مورد ارتکاب به خودکشی نشان داد که مذهب خود یک اجتماع است و افراد مذهبی خود را متعلق به خداوند می دانند و معتقدند تنها خداوند می تواند در زمانی مقرر زندگی را از آنها بگیرد. چنانکه همیلتون (۱۳۸۱)؛ کوزر، سراج زاده (به نقل از سراج زاده، ۱۳۸۷) و ابراهیمی (۱۳۹۰) نشان داده اند که ارزش ها و باورهای دینی با افزایش نظم و کاهش آنومی و بزهکاری همراه است. در افراد با دینداری بیشتر، اضطراب، افسردگی و مرگ و میر کمتر مشاهده می شود (هلمن، پترسون و ورویچ، ۱۹۹۹). خدایاری فرد (۱۳۸۶) نشان داد که کیفیت روابط زناشویی و میزان رضایت مندی زناشویی در افراد دینداری بالاتر است. به باور شیپرز (۲۰۰۲) پایبندی به ارزش های اخلاقی در افراد دیندار بیشتر است.

گسترش روز افزون آسیب های اجتماعی (ترک تحصیل، فرار از مدرسه، اعتیاد، سرقت، تشکیل گروه های معارض و وندالیسم و...) به ویژه در سال های اخیر در بین دانش آموزان و همچنین شیوع آسیب های اجتماعی آشکار و پنهان، افزایش قابل توجه بزهکاری ها و کژ روی های اجتماعی و آلودگی به مواد مخدر، به ویژه در میان جوانان و نوجوانان جامعه مستلزم تعمق و چاره اندیشی اساسی است (افروز، ۱۳۸۱).

1. Sandersa, Munfordb & Liebenbergc
2. Albertos, Osorio, Burgo, Carlos, Beltramo & Trullolsf
3. Richard

از طرفی جامعه پیچیده نوین به نوبه خود تغییراتی را در ساختار روابط والد-نوجوان و هنجارهای اجتماعی پدید آورده است به گونه‌ای که به لحاظ مشکلات اقتصادی، نیازهای کاذب، تجمل‌گرایی، رقابت‌های ناصحیح، فرصت برقراری ارتباط عاطفی و تعاملات سالم با نوجوانان را از والدین گرفته به نحوی که این روابط به مرور زمان محدود و محدودتر می‌شود آنگونه که والدین پس از تلاش طاقت فرسا و خسته کننده دیگر انرژی لازم و حوصله کافی برای برقراری ارتباط عاطفی با فرزندان خود ندارند چه بسا که تربیت دینی فرزندان نادیده انگاشته شود و از مدرسه انتظار دارند که زمینه رشد و تثبیت دینی فرزندان را فراهم نماید. مدرسه نیز در رشد باورهای دینی دانش آموزان تأثیر به‌سزایی دارد که هر یک تاثیراتی خاص بر نوع رفتار، نگرش، باور و شناخت‌های دینی دانش آموزان دارند. ساختار ظاهری مدرسه، نشاط آور بودن محیط فیزیکی و برخوردار بودن از نمازخانه معطر و مجهز به وسایل سرمایشی و گرمایشی و پاک و تمیز بودن و داشتن وضوخانه در مدرسه می‌تواند در گرایش و جذب دانش آموزان به انجام اعمال عبادی که با کاهش آسیب‌های اجتماعی ارتباط مستقیمی دارد مؤثر می‌باشد (شیخیانی و فکوری، ۱۳۹۴).

از سویی دینداری از طریق مکانیسم‌هایی متعددی می‌تواند موجب افزایش تاب آوری و کاهش آسیب‌های اجتماعی شود: افراد دیندار با پیروی از دستورات و آموزه‌های دینی، زندگی جهت دار و هدفمندی را در پیش گرفته و در مواجهه با مشکلات و ناکامی‌ها منبع معنوی نیرومندی را در اختیار دارند که تحمل مشکلات را برای آنها آسان کرده و مانع از کجروی و انحراف از هنجارهای اجتماعی شده و به سازگاری آنان کمک می‌کند (بال، ۲۰۰۳).

براساس مطالعات صورت گرفته، دین‌مداری و آگاهی به مسائل اعتقادی نقش به‌سزایی در کاهش گرایش به آسیب‌های اجتماعی ایفا می‌کند و اگر مسئولین آموزش و پرورش به اهمیت جنبه‌های متعدد دین‌مداری بیشتر توجه کنند، می‌تواند هنجارهای اجتماعی آسیب زنده را کاهش دهند و برای تأثیرات مثبت دین‌مداری، برنامه ریزی و سازماندهی مناسب‌تری داشته باشند.

منابع

۱. ابراهیمی، قربانعلی (۱۳۹۰). دین و بزهکاری جوانان. www.pajohi.ir مورخ ۱۳۹۰/۷/۲۳
۲. احمدی، علی اصغر (۱۳۸۰)، عناصر آسیب زا در فرهنگ ایران، ماهنامه پیوند، شماره ۲۵۸، تهران
۳. اشرفی، عباس (۱۳۸۴). پرستش در دین ابراهیمی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۴. احمدی، س.ج. کج باف. م. (۱۳۸۴). بررسی نگرش معنوی دانشجویان دانشگاه اصفهان و ارتباط با برخی ویژگی‌های جمعیتی شناختی.
۵. احمدی، س. و کجباغ. م. (۱۳۸۷). نگرش معنوی دانشجویان دانشگاه اصفهان و ارتباط آن با برخی ویژگی‌های جمعیتی شناختی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۶. افروز، غلامعلی، (۱۳۸۱)، آسیب‌های اجتماعی، ریشه‌ها و چاره‌ها، ماهنامه پیوند، شماره ۲۸۰، تهران.
۷. افشانی سیدعلیرضا، فاضل نجف آبادی سمیه، حیدری محمد، نوریان نجف آبادی محمد (۱۳۸۹). پژوهشی در باب رابطه دینداری و اعتماد اجتماعی. فصلنامه علوم اجتماعی: تابستان ۱۳۸۹، دوره -، شماره ۴۹؛ از صفحه ۱۸۵ تا صفحه ۲۱۷.
۸. اشرف گنجوئی. الف. و نایب زاده. ش. (۱۳۹۳). بررسی رابطه اعتقادات مذهبی و سواد مالی اسلامی در دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد فصلنامه علمی پژوهشی دانش مالی تحلیل اوراق بهادار سال هفتم، شماره بیست و سوم.
۹. افروز. غ (۱۳۹۰). مفهوم مذهب. مجله پیوند، شماره ۲، دوره ۸، ۲۳-۳۱.
۱۰. امام جمعه زاده، سید جواد. محمود اوغلی، رضا و عیسی نژاد، امید (۱۳۸۹). بررسی رابطه میان دینداری و مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه اصفهان "پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ششم، شماره ۱، ۳۴-۷.
۱۱. احمدی، حبیب (۱۳۸۴). «جامعه‌شناسی انحرافات»، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها
۱۲. امینیان. ا. (۱۳۸۹). بررسی جامعه‌شناختی فاکتورهای زمینه ساز خانواده و مدرسه در گرایش نوجوانان به مواد مخدر.
۱۳. آزموده، پیمان؛ شهیدی، شهریار و دانش عصمت (۱۳۸۶). رابطه بین جهت‌گیری مذهبی با سرسختی و شادکامی در دانشجویان. مجله روانشناسی، ۱۱ (۱)، ۶۰-۴۷
۱۴. بایر ناس، جان (۱۳۵۴). تاریخ جامع ادیان چاپ چهاردهم، ترجمه علی اصغر حکمت. تهران: نشر فرانکلین

۱۵. توماس، میشل (۱۳۷۷). کلام مسیحی، ترجمه حسین توفیقی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
۱۶. جیمز، ویلیام (۱۳۷۲). دین و روان. ترجمه مهدی قاننی: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۱۷. خدایاری فر، محمد؛ شهابی، روح الله؛ اکبری، زردخانه، سعید (۱۳۸۶). رابطه نگرش مذهبی با رضایت‌مندی زناشویی در دانشجویان متأهل. خانواده پژوهشی، سال سوم، ش ۱۰، ص ۶۲۰-۶۱۱.
۱۸. خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۲). گستره شریعت، قم: نشر معارف.
۱۹. دلبری، محمد (۱۳۸۳). بررسی رابطه دینداری و نگرش نسبت به دموکراسی. پایان نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه شیراز.
۲۰. سراج زاده، سیدحسین و پویافر، محمدرضا (۱۳۸۷). ((دین و نظم اجتماعی، بررسی رابطه دینداری با احساس انومی و کجروی))، مسائل اجتماعی ایران، سال ۱۶، ش ۶۳، ص ۱۷۱-۱۰۵.
۲۱. شریفی، طیبیه؛ مهرابی زاده هنرمند، مهناز؛ و شکرکن، حسین (۱۳۸۴). نگرش دینی و سلامت عمومی و شکیبایی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی اهواز. اندیشه و رفتار، ۱۱ (۱)، ۹۹-۸۹.
۲۲. شوقی مینا آبادی، ندا (۱۳۸۷). نقش دین در کاهش آسیب‌های اجتماعی، انتشارات شروع: تهران..
۲۳. شیخاوندی، داور (۱۳۵۳)، آسیب شناسی اجتماعی، نشر جارا، تهران.
24. Aimie L.B. Hope, Christopher R. Jones (2014). The impact of religious faith on attitudes to environmental issues and Carbon Capture and Storage (CCS) technologies: A mixed methods study. *Technology in Society* 38 (2014) 48-59.
25. Arousell, J & Carlbon, A (2016). Best Practice & Research Clinical Obstetrics and Gynaecology 32 (2016) 77-87.
26. Sanders, J., Munford M R., L. (2017). Positive youth development practices and better outcomes for high risk youth. *Child Abuse & Neglect, Volume 69, July 2017, Pages 201-212.*
27. Richard, R. (2000). "Anticipated regret and precautionary sexual behavior". *Journal of Applied Social Psychology*, 28, 1411-1428.
28. Ball, J., Armistead, L., Austin, B. J. (2003). The relationship between religiosity and adjustment among African-American, female, urban adolescents. *Journal of Adolescence*. 26 (4), 431-446.
29. Dillon, M., Heineke, J. (2003). "A Labour Theoretical Analysis of Criminal choice". *American Economic Review*, 1975, Vol. 65.
30. Dobson, A.K (2001). "Deviant Behavior", In Sills, David L. *International Encyclopedia of Social Science*. Vol. 4. New York: Mcmillan Company & The Free Press.
31. Feuerbach L. (1973). *The Essence of Religion*, trans. Al. Loos, New York, P.71 (conclusion of the Book).
32. Charles, G., and Rodney, S. (1965). *Religion and society in Tension*. Chicago: Rand McNally.
33. Greeff, A & Joubert, A (2007). Spirituality and resilience in families in which a parent has died. *Psychological Reports*, Vol. 100, PP. 897-900.
34. Halman, L., Pettersson, T. & Verweij, J. (1999). "The Religious Factor in Contemporary Society", *International Journal of Comparative Sociology*, 40 (1): 141-160.
35. Kasen, S. Wickramaratne, P. Gameroff, M.J. & Weissman, M.M. (2011). Religiosity and resilience in persons at high risk for major depression. *Psychol Med*, 42(3), PP. 509-19.
36. Kim, J. (2008). The Protective Effects of Religiosity on Maladjustment among Maltreated and Nonmaltreated Children. *Child Abuse Negl.* 32(7), PP. 711-720.
37. King, J. S. (2006). "Social capital in the creation of human-capital." *American Journal of Sociology* 94: S95-S120.
38. Loewenthal, K., Mariam, M., Andrew, K., Cinnirella, M. (2001) Are women more religious than men? Gender differences in religious activity among different religious groups in the UK, personality and individual differences, 32: 139 – 133.
39. Malina, V (2009) "Religion and Gender across Europe", *Social Compass*, 56 (2), 144 – 162.
40. Musick, M.A., Wilson, J. (2003). Volunteering and depression: the role of psychological and social resources in different age groups. *Social Science & Medicine*. 56 (2), 259-269.
41. Santrock, J. (2008). *Adolescence*. Twelfth edition. New York: McGraw– Hill.
42. Scheepers, P (2002) "Education, Religiosity and Sociology, 112: 838 – 880.
43. Taylor, R. J., Mattis, & Chatters, L. M. (1999). Subjective religiosity among African Americans: A synthesis of finding from five national samples. *Journal of Black Psychology*, 25 (4), 524-543.
44. Wink, P., Ciciolla, L, Dillon, M., & Tracy, A. (2007). Religiousness, spiritual seeking, and personality: Finding from a longitudinal study. *Journal of Personality*, 75, 20-51.
45. Zuo'an W. (2013). Religious Harmony: A Fresh Concept in the Age of Globalization. *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 77 (2013) 210 – 213.